

بی‌تردید پیامبر خدا ﷺ و اهل بیت ﷺ، با علم لدنی و ارتباط با خدای متعال، توانایی پیش‌بینی آینده بشر را دارا هستند و در قرآن و سنت پیش‌بینی آینده وجود داشته است. کوشش در جهت مصداق‌یابی برای احادیث معصومین ﷺ و انطباق احادیث ملاحم و فتن بر شخصیت‌ها و رویدادهای جهان، در راه کمال و سعادت و برای امید و نجات لازم است. این امر باید مبتنی بر قواعد و شرایط مناسب و با شواهد و قرائن خاص همراه گردد. انقلاب اسلامی، ایران شگفت‌انگیزترین و تأثیرگذارترین پدیده قرن حاضر جهان بوده است و نقش بنیادی در تغییر و تحولات بین‌المللی دارد.

آنتونی گیدنز جامعه‌شناس مشهور انگلیسی در این باره می‌گوید:

در گذشته، سه غول فکری جامعه‌شناسی یعنی مارکس، دورکیم و ماکس وبر با کم‌وبیش اختلافاتی فرایند عمومی جهانی را به سمت سکولاریزاسیون و به حاشیه رفتن دین می‌دیدند، ولی از آغاز دهه هشتاد و با انقلاب اسلامی ایران، شاهد تحقق عکس این قضیه هستیم، یعنی فرایند عمومی جهان روند معکوسی را آغاز و به سمت دینی شدن پیش می‌رود (گیدنز، ۱۳۷۴، ص ۷۵).

بی‌شک عصر نوین جهان، عصر حیات دین و بازگشت به دین است. این همه ناشی از نهضت امام خمینی ﷺ می‌باشد. نهضت امام خمینی ﷺ هم در بیان صریح رهبر، و هم به لحاظ دستاوردها و در عمل، در جهت زمینه‌سازی برای ظهور قائم آل محمد ﷺ قرار دارد. این حقایق در حدیثی از امام کاظم ﷺ پیش‌بینی شده است؛ حدیثی که ریشه در کتابی در چهارم قمری دارد و قابلیت انطباق با انقلاب اسلامی ایران را داراست. این پژوهش ظرفیت‌های آن حدیث و قابلیت‌ها و شواهد و مدارک تطبیقی آن را بررسی می‌کند.

ایوب بن یحیی الجندیل از امام کاظم ﷺ چنین نقل کرده است:

رجل من اهل قم يدعو الناس الى الحق، يجتمع معه قوم كزيرالحديد، لاتزلهم الرياح العواصف ولا يملون من الحرب ولا يجنون و على الله يتوكلون و العاقبه للمتقين: مردی از اهل قم مردم را به سوی حق دعوت نموده و فرا می‌خواند، برگرد او مردمانی جمع می‌شوند و فراهم می‌آیند که چونان پاره‌های آهن‌اند. طوفان‌ها آنان را به لرزه نمی‌اندازند و از جنگ خسته نمی‌شوند و بزدلی نمی‌کنند و نمی‌ترسند و بر خدا توکل دارند و فرجام و پایان نیک از آن پرهیزکاران است.

مسئله اصلی تحقیق این است که آیا این حدیث شریف امام هفتم ﷺ بر «نهضت امام خمینی» تطبیق می‌کند و «ویژگی‌های انقلاب اسلامی ایران» و «امتیازات یاران راستین امام خمینی» و «سرنوشت انقلاب اسلامی ایران و پیوستگی آن به انقلاب جهانی حضرت مهدی ﷺ» را تبیین می‌نماید؟

بررسی میزان تطبیق نهضت امام خمینی با حدیث امام کاظم ﷺ

محمدرضا جواهری / استادیار دانشگاه فردوسی مشهد

دریافت: ۱۳۹۳/۰۹/۱۱ - پذیرش: ۱۳۹۴/۰۱/۲۲

jawaheri@Ferdowsi.um.ac.ir

چکیده

در کتاب تاریخ قم، که در سال ۳۷۸ هـ ق به قلم حسن بن محمد بن حسن بن سائب بن مالک اشعری قمی تصنیف شده است، حدیثی از امام کاظم ﷺ وجود دارد که برخی فقیهان و حدیث‌شناسان معاصر، آن را بر نهضت امام خمینی و انقلاب اسلامی ایران تطبیق کرده‌اند. در این پژوهش توصیفی - تحلیلی، سند و دلالت این حدیث بررسی شده و فرضیه انطباق آن بر امام خمینی واکاوی و ارزیابی شده است. میزان اعتبار کتاب و شخصیت راویانی که در سلسله سند حدیث وجود دارند، بر اساس معیارهای رجالی و گفتار و نوشتار علمای رجال مورد سنجش دقیق قرار گرفت و روشن شد که سند حدیث، قابلیت پذیرش را دارد و محتوای آن با ملاحظات خاص و قرائن و دلایل ویژه بر نهضت امام خمینی ﷺ تطبیق می‌کند.

صرف نظر از سند حدیث، مفاد و محتوای آن و پیام‌ها و نکته‌های نهفته در متن الفاظ این حدیث، با نگاه کلان به احادیث مرتبط با قیام‌های شیعیان در عصر غیبت و پیش از ظهور قائم آل محمد ﷺ، استنباط شد و تمام دلایل و مدارک و شواهد فرضیه تطبیق، شناسایی و ارزیابی گردید.

کلیدواژه‌ها: حدیث، امام کاظم ﷺ، تربیت زمینه‌ساز ظهور، راهبردها، امام خمینی، انقلاب اسلامی، قم.

ریشه‌یابی سند حدیث

سند و منبع اصلی این حدیث، کتاب **تاریخ بلده قم** می‌باشد که با توجه به ترجمه فارسی آن، به **تاریخ قم** مشهور است. حسن بن محمد بن حسن بن سائب بن مالک اشعری قمی، از اعلام قرن چهارم هجری قمری در ۳۷۸ق این کتاب را نوشت. حرص بر جمع‌آوری اخبار درباره قم، مشاهده شگفتی زمامداران از عدم نگارش کتاب در تاریخ قم، و عدم گزارش تاریخ قم در کتاب‌های مرتبط، اسباب تصنیف این کتاب شده است (قمی، ۱۳۱۳، ص ۱۹-۲۵).

شخصیت مؤلف و اعتبار کتاب تاریخ قم

مصنف کتاب، از معاصران شیخ صدوق و شاگرد برادرش حسین بن علی بن بابویه قمی است. او از اکابر قدما علمای اصحاب و از اجلای قدما علمای قم بوده و از شیخ صدوق و برادرش روایت کرده است (افندی اصفهانی، ۱۳۶۶، ص ۴۶؛ امین، ۱۴۰۳ق، ج ۵، ص ۲۴۶). علامه مجلسی، کتاب **تاریخ بلده قم** را در **مصادر بحار الانوار الجامع لدرر اخبار الائمه الاطهار علیهم السلام** قرار داده و آن را صحیح و دارای اعتبار شمرده و از آن حدیث نقل کرده است. وی در فصل دوم کتاب خود در توثیق مصادر کتاب خویش می‌نویسد: «تاریخ بلده قم کتاب معتبر، لکنی لم یتسرلنا اصل الكتاب و انما وصل الینا ترجمته و قد اخرجنا بعض اخباره فی کتاب السماء و العالم» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۴۲)؛ **تاریخ قم** کتاب معتبری است، لکن اصل عربی کتاب به ما نرسید و تنها ترجمه آن به ما رسیده است و ما برخی اخبار آن را در کتاب **عالم و سما** اخراج نموده و آورده‌ایم. صاحب **اعیان الشیعه** نیز کتاب را در نهایت جودت و احاطه دانسته است (امین، ۱۴۰۳ق، ج ۵، ص ۲۴۷).

شخصیت مؤلف کتاب، مورد اعتماد علمای شیعه و کتاب وی دارای اعتبار شناخته شده است. **آیت‌الله نوری همدانی**، درباره کتاب **تاریخ قم** می‌گوید: «تاریخ قم یکی از مدارک بحار است و مدرکی برای محدثین است و صاحبش معاصر صدوق است. صدوق در ۳۸۱ق در قرن چهارم از دنیا رفته است» (مدرسه فقاقت، ۸۷/۹/۲۶).

کتاب **تاریخ بلده قم** و ترجمه آن، مهم‌ترین و قدیمی‌ترین، منبع معتبر قم شناسی شمرده می‌شود (مدرسی طباطبائی، ۱۳۶۴، ص ۲۶ و ۳۴).

راویان حدیث از امام کاظم علیه السلام

حدیث امام موسی بن جعفر علیه السلام که سند و محتوای آن در این پژوهش مورد بررسی قرار می‌گیرد، در هر

دو چاپ، از این ترجمه وجود دارد (قمی، ۱۳۱۳، ص ۱۰۰؛ قمی، ۱۳۸۵، ص ۲۷۷-۲۷۸). این حدیث را حسن بن محمد بن حسن قمی مصنف کتاب **تاریخ قم** از **علی بن عیسی** از **ایوب بن یحیی الجندل** از ابوالحسن اول امام موسی بن جعفر علیه السلام نقل کرده است. راوی حدیث از امام هفتم علیه السلام **ایوب بن یحیی الجندل** می‌باشد. وی شخصیت ناشناخته‌ای است و در **رجال کشی** و **فهرست شیخ طوسی** و **رجال برقی** و رساله **ابوغالب زراری** و **رجال ابن‌غضائری**، از منابع اولیه رجال شیعه در سده‌های سوم تا پنجم، از وی هیچ اثری نیست. جای شگفتی است که در منابع ثانویه رجالی، از سده ششم تا هشتم نیز همچون **فهرست شیخ منتخب‌الدین** و **معالم العلماء ابن‌شهر آشوب** و **رجال ابن داود** و **خلاصه الاقوال** علامه حلی و حتی منابع متأخر رجالی شیعه، از سده دهم تا معاصران نیز در **مجمع الرجال قهپائی** و **نقد الرجال تفرشی** و **جامع الرواة اردبیلی** و **رجال سیدبحر العلوم** و **تنقیح المقال مامقانی** و **قاموس الرجال تستری** و **معجم رجال الحدیث سیدابوالقاسم موسوی خوئی**، هیچ سخنی درباره **ایوب بن یحیی الجندل** وجود ندارد. در برخی موارد، نام راوی در منابع رجالی آمده است و مجهول‌الحال شمرده شده است. اما عدم ورود نام یک راوی در کتب رجالی هرگز به معنای مجهول بودن وضعیت وی نیست. تنها می‌توان او را بی‌نام و نشان در منابع رجالی دانست.

گرچه راوی بی‌نام، نه توثیق، مدح، تعدیل، حجیت و صلاح دارد و نه تضعیف، ذم، جرح و فسق، ولی این واقعیت نیز روشن است فردی که در هیچ یک از کتب رجالی وجود ندارد، مطعون و ضعیف شمرده نمی‌شود؛ زیرا روایانی که نامشان در آثار رجالی آمده و با الفاظ کذاب، وضاع و ساقط و متروک‌الحدیث و متهم یاد شده‌اند، مذموم و مطعون‌اند و بی‌نام‌ها، در گروه روایان مطعون و دارای ضعف عقیدتی و اخلاقی جای نمی‌گیرند.

صرف عدم ذکر نام راوی در آثار رجالی، عیب و نقص نیست و به سند حدیث صدمه نمی‌زند. مجهول بودن **ایوب بن یحیی الجندل**، با توثیق **علی بن عیسی**، که این حدیث را از وی نقل کرده است و با اعتبار کتاب **تاریخ بلده قم** از منظر محدثان، جبران می‌گردد.

علمای رجال، خبر راوی ضعیفی را که ضعف آن جبران شود، معتبر می‌دانند. این حدیث مسند است، اما یک راوی آن ناشناخته است؛ نبودن راوی در کتب رجالی، به معنای مجروح بودن وی نیست. این نقص با اعتماد فقیهان بزرگ به اصل حدیث و ورود به تحلیل و تطبیق آن و توثیق کتابی که روایت را آورده است و توثیق راوی دیگر حدیث، زائل می‌گردد. یکی از مبانی مهم در نقد سند برای ارزشیابی حدیث در حالت تعارض، عرضه محتوای حدیث بر قرآن کریم و سنت قطعی است (حرعاملی، بی‌تا،

ج ۲۰، ص ۹۴). این معیار در وضعیت عدم تعارض نیز صادق است. متن این حدیث، هیچ تعارضی با قرآن و سنت ندارد.

مجموعه مطالب مذکور، از قرائن متصله و منفصله‌ای است که ثبوت خبر از امام کاظم علیه السلام و روایت را نشان می‌دهد و صحت مضمون و مفاد آن را آشکار می‌سازد.

تفه بودن صاحب کتاب و وجود حدیث در کتابی که توثیق شده و مورد اعتماد بوده و معتبر شمرده شده است، از معیارهای تقویت سند حدیث است (همان، ص ۱۱۲). در صورت صحیح شمردن یک حدیث توسط فقیه عادل، نقص وجود فرد مجهول در سلسله سند برطرف می‌گردد. به گونه‌ای که اگر آن فرد مجهول در سند حدیث دیگر نیز وجود داشت، حکم به صحت آن می‌شود. تسامح در ادله سنن در احادیث تاریخ و ملاحم نیز جاری است.

مطابق گزارش شیخ حرعاملی دانشمندانی همانند شیخ مفید و ابن شهر آشوب و طبرسی، تصریح بر توثیق چهار هزار مرد از اصحاب امام صادق علیه السلام دارند، ولی اکنون این روایان در کتب رجالی از اصحاب امام صادق علیه السلام به این عدد نمی‌رسند (همان، ص ۱۱۵). بنابراین، گروهی از اصحاب امامان علیهم السلام که عدل و تفه و حجت بوده‌اند، در کتب رجالی نام آنان وجود ندارد.

شیخ حرعاملی، در تبیین نقش درک وجدانی مبتنی بر قرائن در توثیق افرادی که احدی آنان را توثیق نکرده است، می‌نویسد:

التری انا نرجع الی وجداننا فنجد عندنا جزما بئنه کثیر من رواتنا و علمائنا الذین لم یوثقهم احد، لمابلغنا من آثارهم المفیده للعلم بئنتهم و توثیق لبعض الثقات الاجلاء من جمله القرائن المفیده لذلك وقد تواترت الاحادیث فی حجیه خبر الثقة کما مر فیدخل خبره بحال الروات کما هو ظاهر (همان)؛ آیا نمی‌بینی ما به وجدانمان برمی‌گردیم، پس نزد خودمان جزم و قطع به تفه بودن بسیاری از روایان و علمایمان که احدی آنان را توثیق نکرده، می‌یابیم به دلیل آنچه از آثار سودمند آنان به ما رسیده است و افاده علم به توثیق آنان دارد و توثیق برخی از اجلای ثقات، از جمله قرائن مفید به علم به توثیق می‌باشد. احادیث حجیت خبر ثقة متواتر است، پس خبر ثقة از حال روایان، داخل در حجیت خبر ثقة است.

محمدحسین بروجردی، درباره وضعیت روایانی که در فهرست شیخ طوسی نامشان نیامده است، می‌گوید: عدم تعرض الشیخ الطوسی فی فهرسته لبعض الرواه باعتبار عدم کونه مصنفًا لایدل علی عدم کونه ثقة عنده (فاضل موحدی، ۱۳۹۸ق، ج ۲، ص ۲۷۱؛ حسینی جلالی، ۱۳۷۸، ص ۱۱۲). عدم تعرض شیخ طوسی در کتاب فهرستش بر ذکر نام برخی از روایان، به اعتبار مصنف نبودن او، دلالت بر ثقة نبودن او در نزد وی نمی‌کند.

علی بن عیسی، که واسطه بین مصنف و ایوب بن یحیی الجندی است و در رجال این حدیث قرار دارد، در کتب رجالی ستوده شده است، ولی علی بن عیسی، مشترک بین ده تن می‌باشد که همه توثیق شده‌اند (موسوی خوئی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۲، ص ۱۰۶-۱۱۰). احتمال می‌رود. او علی بن عیسی بن زرین باشد که شیخ طوسی وی را از اصحاب امام کاظم علیه السلام شمرده و تفه دانسته است (طوسی، ۱۴۱۷ق، ص ۳۵۲؛ موسوی خوئی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۲، ص ۱۰۹).

منابع حدیث

علامه مجلسی در بحارالانوار کتاب السماء و العالم، باب الممدوح من البلدان و المذموم منها و غرائبها، در ردیف سی و هفتم، این حدیث را از کتاب تاریخ قم نقل کرده است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۰، ص ۲۱۶). پس از وی، شاگرد و یار او علامه عبدالله بحرانی اصفهانی در عوالم العلوم و المعارف و الاحوال من الایات و الأخبار و الاقوال این حدیث را ذکر کرده است (بحرانی اصفهانی، ۱۳۶۳، ج ۲۱، ص ۳۴۷). سایر علمای معاصر شیعه نیز این حدیث را به نقل از علامه مجلسی در آثار خود آورده‌اند (قمی، بی تا، ج ۲، ص ۴۴۶؛ مدرسه فقاقت، ۸۷/۹/۲۶؛ منتظری، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۲۳۹؛ محمدی ری شهری، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۵۷۳؛ اشتیاردی، ۱۳۸۶، ص ۲۴).

این کتاب، از زمان تصنیف در سال ۳۷۹ق، تا سال‌های نخستین قرن نهم هجری قمری یا شمسی در دسترسی اهل علم قرار داشت.

تاج‌الدین حسن خطیب‌ابن بهاء الدین علی بن حسن بن عبدالملک قمی، در ۸۰۶ و ۸۰۵ هجری قمری کتاب تاریخ بلده قم را برای استفاده فارسی زبانان، به تشویق یکی از امیران خاندان صفی از حاکمان محلی قم، به زبان فارسی برگرداند (قمی، ۱۳۱۳، ص ۳؛ قمی، ۱۳۸۵، ص ۶). پس از آن ترجمه، دیگر متن اصلی و عربی کتاب از بین رفت. هم‌اینک پس از گذشت بیش از پنج قرن، اثری از آن پیدا نشده است و تمامی کوشش‌ها و جست‌وجوها برای یافتن کتاب بی نتیجه مانده است.

از آن ترجمه، نسخه‌ای در اختیار علامه مجلسی قرار داشته که در کتاب خود از آن استفاده نموده است. اکنون از آن ترجمه، شانزده نسخه خطی در کتابخانه ملی ایران، کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، کتابخانه مدرسه سپهسالار، کتابخانه ملک و آستانه مقدس حضرت معصومه علیها السلام وجود دارد (قمی، ۱۳۸۵، ص ۶۱-۶۳). پیش از انقلاب اسلامی، این ترجمه با تصحیح و تحشیه سیدجلال‌الدین طهرانی در آذر ۱۳۱۳ش در مطبعه مجلس در

قطع وزیری چاپ شد. مصحح در مقدمه کوتاه چاپ دوم نوشت: ما آن را از روی نسخه‌ای که به سال ۱۰۰۱ تحریر شده، به طبع رساندیم (قمی، ۱۳۱۳، ص ۱).

پس از انقلاب اسلامی نیز با همت مرکز قم‌شناسی و کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی و گنجینه جهانی مخطوطات اسلامی، در ۱۳۸۵ با تصحیح و تحقیق محمدرضا انصاری قمی چاپ گردیده است.

فرضیه تطبیق

انطباق حدیث امام کاظم علیه السلام بر نهضت امام خمینی، از سوی برخی فقیهان معاصر صورت گرفته است. محمد محمدی ری‌شهری، در بحث از این روایت می‌نویسد:

روایتی از امام کاظم علیه السلام نقل شده که وقتی در کنار سایر روایاتی که در رابطه با پیش‌بینی انقلاب اسلامی ایران است قرار می‌گیرد، بطور روشن دلالت می‌کند بر اینکه جرقه این انقلاب از قم زده می‌شود و این انقلاب از سوی ابر مردی که از قم برخاسته است، رهبری می‌گردد... این روایت کاملاً با انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی منطبق است (محمدی ری شهری، ۱۳۶۱، ص ۶۱-۶۲).

در *میزان الحکمة* نیز در عنوان *الثورة من مدینة قم*، همین حدیث را آورده است (محمدی ری شهری، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۵۷۳، خ ۲۲۳۱).

آیت‌الله نوری همدانی، در درس خارج فقه خویش کتاب *الجهاد*، در بررسی و نقد و رد روایاتی که هرگونه قیام در عصر غیبت تا ظهور حضرت مهدی علیه السلام را نفی می‌کند، دلایل متعددی آورده است. وی به همین حدیث در پاسخ آن روایات استناد می‌کند و درباره محتوای حدیث می‌گوید: «خیلی‌ها این قیام را به انقلاب اسلامی ایران تعبیر کرده‌اند» (ر.ک: مدرسه فقاها).

آیت‌الله منتظری نیز در پاسخ همین روایات، پنج حدیث از جمله همین حدیث امام کاظم علیه السلام را آورده و می‌نویسد: «یحتمل انطباق مفاد هذه الاخبار على الثورة الاسلامية في إيران، كما لا يخفى» (منتظری، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۲۳۹).

محققانی که *سفینة البحار و مدینة الحکم و الآثار محدث قمی* را پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران در بیروت چاپ کردند، بر روی بیرونی جلد اول و دوم کتاب، متن همین حدیث را قرار دادند. این اقدام آنان براساس رویکرد به فرضیه تطبیق انجام شده است.

دلایل انطباق

به نظر می‌رسد محتوای این حدیث، براساس ملاحظات و دلایل و شواهدی که در پی می‌آید، با

نهضت امام خمینی ارتباط دارد. بی‌تردید سیدروح‌الله موسوی خمینی، مردی از اهل قم است. بر این اساس، همه مطالب و پیام‌ها و نکته‌های این حدیث، بر نهضت امام خمینی علیه السلام جاری است. در تبیین و تحلیل فرضیه تطبیق، راه‌های متعددی وجود دارد: سه دسته از احادیث در فهم این تطبیق کمک می‌کند.

الف. آیات قرآنی و احادیث پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت علیهم السلام، که اسلام و ایمان و دانش و امتیازات بی‌نظیر ایرانیان و نقش بزرگ آنان را در پیشرفت و گسترش اسلام و تمدن اسلامی در جهان گزارش کرده است. در این زمینه، ده آیه قرآن با ایران ارتباط دارد (آل عمران: ۲۶؛ نساء: ۱۳۳؛ انعام: ۸۹؛ مائده: ۵۴؛ اسراء: ۵؛ حج: ۳؛ توبه: ۳۹؛ محمد: ۳۸؛ جمعه: ۳؛ فتح: ۱۶). ارتباطات این آیات با ایرانیان، به دلایل عقلی خدمات ایرانیان به اسلام و مسلمانان و حقایق قطعی تاریخی پیرامون نقش آنان در گسترش اسلام و تمدن اسلامی و دلایل نقلی ثابت می‌شود. احادیث نبوی و آراء مفسران این حقیقت را آشکار می‌سازد. در سوره مائده، خطاب به مؤمنان در عصر حیات رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم چنین آمده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» (مائده: ۵۴). این آیه، از اسلام قومی خبر داده است که در زمان نزول آیه، مسلمان نبوده‌اند و شش امتیاز نیز برای آنان بیان کرده است. اصحاب پیامبر در صدد شناسایی این قوم بودند و پیوسته از ایشان می‌پرسیدند مفسران در گزارش پاسخ پیامبر خدا نوشته‌اند: «فَضْرِبْ بِيَدِهِ عَلَى عَاتِقِ سَلْمَانَ فَقَالَ: هَذَا وَ ذُوهُ ثُمَّ قَالَ: لَوْ كَانَ الدِّينَ مَعْلَقًا بِالثَّرِيَا لَتَنَاوَلَهُ رِجَالٌ مِنْ ابْنَاءِ فَارِسٍ» (طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۳۰۸؛ زمخشری، بی تا، ج ۴، ص ۶۴۶؛ فخررازی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۲، ص ۱۹؛ عروسی حویزی، ۱۳۸۳ق، ج ۱، ص ۶۴۱؛ آلوسی بغدادی، ۱۳۹۸ق، ج ۶، ص ۱۶۳؛ میبیدی، ۱۳۶۱، ج ۳، ص ۱۴۷)؛ پیامبر با دست خویش بر دوش و کف سلمان زده و سپس فرمود: این و بستگان اصحابش. سپس فرمود: اگر دین به ثریا آویزان باشد مردانی از فرزندان فارس به آن می‌رسند.

ب. همچنین احادیثی که قیام حق طلبانه و انقلاب اسلامی زمینه‌ساز ظهور حضرت مهدی علیه السلام از مشرق را در عصر غیبت گزارش کرده است، گواه دیگری برای فرضیه تطبیقی می‌باشد. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «يَخْرُجُ نَاسٌ مِنَ الْمَشْرِقِ فَيُوطِئُونَ لِلْمَهْدِيِّ سُلْطَانَهُ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۷، ص ۸۷؛ قزوینی، بی تا، ج ۲، ص ۱۳۶۸؛ متقی هندی، ۱۴۱۹ق، ج ۱۴، ص ۱۱۸، خ ۳۸۶۵۳؛ اربلی، ۱۴۰۱ق، ج ۳، ص ۲۶۷؛ قندوزی حنفی، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۲۶۶). مردمی از مشرق قیام می‌کنند و برای سلطنت

الهی حضرت مهدی علیه السلام زمینه‌سازی می‌کنند. انقلاب خیرطلبانه در مشرق نیز در حدیث نبوی دیگر پیش‌بینی شده است؛ انقلابی که در عصر غیبت روی می‌دهد و حکومت تشکیل می‌دهد و حکومت را به حضرت مهدی علیه السلام می‌رساند (قزوینی، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۳۶۶؛ متقی هندی، ۱۹۱۹ق، ج ۱۴، ص ۱۹، خ ۳۸۶۷۴؛ حاکم نیشابوری، بی‌تا، ج ۵، ص ۶۵۷؛ سیدبن طاووس، ۱۳۹۸ق، ص ۵۲ و ۱۶۲). در حدیث امام حسن علیه السلام از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، از بعثت الهی مشرقی (سیدبن طاووس، ۱۳۹۸ق، ص ۵۴) و در حدیث *ابوخلالد کابلی* از امام باقر علیه السلام، از انقلاب مشرقی حق‌طلبانه پیروز پایدار، که حکومت را به صاحب شیعیان امام مهدی علیه السلام می‌رساند (نعمانی، ۱۴۰۳ق، ص ۱۸۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۲، ص ۲۴۳؛ فضلی، ۱۳۹۲ق، ص ۱۴۵)، یاد شده است و مفاد آن نیز با فرضیه انطباق همراه است.

ج. احادیثی که در فضیلت قم و نقش آن در انقلاب جهانی مهدوی وارد شده است، دلیل دیگر فرضیه تطبیق می‌باشد. امام صادق علیه السلام قم را معدن شیعه (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶، ص ۲۱۴) و حرم اهل بیت علیهم السلام و اهل قم را اخوان و برادران امامان علیهم السلام (همان، ص ۲۱۱) و شیعه اهل بیت علیهم السلام (همان، ج ۶۰، ص ۲۱۵) و یاران و همراهان امام مهدی علیه السلام دانسته‌اند که با قائم آل محمد علیه السلام اجتماع می‌کنند و همراه او قیام می‌کنند و در راه او استقامت ورزیده و او را یاری می‌نمایند (همان، ج ۶۰، ص ۲۱۶). شهر قم و اهل آن در عصر غیبت حجت بر تمام خلایق‌اند (همان، ج ۶، ص ۲۱۲؛ قمی، بی‌تا، ج ۲، ص ۴۵۵). شهر قم در عصر غیبت، معدن علم و فضل و دین می‌گردد که علم دین از آن به شرق و غرب جهان سرازیر می‌شود و اهل قم قائم مقام حجت خدا در زمین خواهند شد (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۰، ص ۲۱۲ و ۲۱۳).

شواهد و مدارک ارتباط حدیث با امام خمینی

سیدروح‌الله موسوی خمینی، در شهر خمین به دنیا آمد. به همین دلیل «خمینی» نامیده شد. احتمال دارد توجه به زادگاه امام خمینی علیه السلام ذهن پژوهشگران را از درک سریع ارتباط و پیوند حدیث امام کاظم علیه السلام با امام خمینی باز دارد. برای فهم «قمی» بودن امام و انطباق جمله «رجل من اهل قم» به امام خمینی، دقت در شواهد نه‌گانه‌ای که در اینجا بیان می‌شود راهگشا خواهد بود.

الف. گرچه امام خمینی در بیستم جمادی‌الثانی ۱۳۲۰ق برابر با ۳۰ شهریور ۱۲۸۱ شمسی و در شهرستان خمین به دنیا آمدند (روحانی، ۱۳۵۸، ج ۱، ص ۲۰؛ انصاری، ۱۳۷۴، ص ۱۴؛ رجبی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۱۱۸)، ولی در ماه رجب ۱۳۴۰ق برابر با نوروز ۱۳۰۰ شمسی به قم هجرت کرده (انصاری، ۱۳۷۴، ص ۱۶) و تا دستگیری و تبعید به خارج از کشور، در ۱۳ آبان ۱۳۴۳ در قم اقامت داشتند. در

۱۲ آبان ۱۳۵۷ از پاریس به تهران آمدند و پس از پیروزی انقلاب اسلامی، در ۱۰ اسفند ۱۳۵۷ به قم بازگشتند و تصمیم بر ماندن در قم داشتند. در دوم بهمن ۱۳۵۸ برای درمان به بیمارستان قلب تهران منتقل شدند و پس از مرخصی از بیمارستان، به توصیه پزشکان در تهران ماندگار شدند (همان، ص ۱۰۶ و ۱۱۸). بنابراین، امام خمینی علیه السلام حدود نیم قرن در شهر قم ساکن بودند. این حضور طولانی در قم، برای قرارگرفتن «امام خمینی» در شمار «اهل قم» کافی است. قطعاً از نظر عرف و شرع و فقه، امام خمینی با پنج دهه اقامت در قم، اهل قم شناخته می‌شوند. امام خود در سخنرانی خویش در ۱۰ اسفند ۱۳۵۷، همزمان با ورود به قم، خودشان را قمی دانسته، و به قمی بودن خویش افتخار کرده، فرمودند:

من از عواطف ملت ایران و از عواطف «هم‌وطنی‌های» خودم «قمی‌ها»، که من قبلاً گفته بودم از قم علم منتشر می‌شود، از قم قدرت منتشر شد، قم نمونه بود و من مفتخرم که در قم هستم! من ۱۵ سال یا قدری بیشتر از شما دور بودم لکن دلم اینجا بود، با شما بودم. شما غیرتمندان، شما پاک جوانان سرمشق همه شدید و الحمدلله تمام ملت ایران در سراسر ایران با هم هم‌صدا شدند و این قدرت الهی بود که طاغوت را شکست (موسوی خمینی، ۱۳۶۱، ج ۵، ص ۱۳۰).

ایشان در فروردین ۱۳۵۸ نیز در سخنرانی دیگر خود، قم را «وطن» خویش نامیده، فرمودند: من خوشحالم که بعد از سال‌های طولانی در میان شما رفقا، جوانان هستم. من همیشه در فکر ایران و در فکر «وطن خودم» «قم» بودم و هستم و دعاگویم. شما می‌دانید که قم مرکز تشیع از زمان حضرت صادق علیه السلام، حدود آن زمان مرکز تشیع بوده است و از قم تشیع به سایر جاها رفته است. هم علم از قم به جاهای دیگر منتشر شده است و بحمدالله شجاعت و زحمت در راه اسلام و فداکاری هم از قم منتشر شد. قم مرکز همه برکات است، خدا شما قمی‌ها را برای ما حفظ کند و همه ایران را برای همه (همان، ص ۲۰۹).

حضور و اقامت طولانی مدت امام در قم و نظر و اظهارات عرف مردم و افتخار و تصریح امام بر اینکه وطن‌شان قم است، همه شواهد منطقی و عقلی برای انطباق جمله ابتدای حدیث امام کاظم علیه السلام، بر امام خمینی است.

ب. منظور از «اهل قم» در حدیث، منطقه جغرافیایی قم در عصر حیات امام کاظم علیه السلام است که شامل شهر خمین هم شده است. حسن بن محمد بن حسن قمی، در قرن چهاردهم هجری قمری در بیان حدود قم می‌نویسد:

از برقی روایت است که او گفت که قم چهل فرسخ در چهل فرسخ است زیرا که حدود آن به غایت از یکدیگر دورند و اقطار آن متفاوتند و از دیگر شهرها باحوز آن گرفته‌اند و جمع کرده‌اند. برقی چنین گوید که حد اول قم از ناحیه همدان است تا میلادجرد که آن ساوه است

و حد دوم آن از ناحیت ری تا جوسق داودبن عمران اشعری بدو فرسخ از دیر حصص که فرا پیش قم است... حد سیم از ناحیت فراهان است آنجا که ناحیت کرج است و گویند از آنجا که جوسق دیزوآباد است از همدان، و حد چهارم از ناحیت اصفاهان تا وادی که میان قریه درام و جرقام و میان قریه راوندست (قمی، ۱۳۱۳، ص ۲۶؛ ۱۳۸۵، ص ۵۸-۵۵).

روشن است که قم با این گستردگی جغرافیایی، چهل در چهل فرسخ خمین را فرا می‌گرفته است، بنابراین، زادگاه امام خمینی نیز منطقه قم خواهد بود. از این رو، هیچ تردیدی وجود ندارد.

ج. روشن است مرد قمی که در حدیث از وی یاد شده است، با توجه به ویژگی‌های کار و پیروانش، یکی از افراد عادی، بی‌سواد و درس ناخوانده نیست، قطعاً «اهل علم قم» مقصود است. امام خمینی، بزرگ‌ترین شخصیت حوزه علمیه قم از زمان تأسیس تا امروز می‌باشد. امام خمینی علیه السلام در ۲۹ اسفند ۱۳۰۱ که حوزه علمیه قم توسط آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی تأسیس شد در قم بودند و از آغاز تأسیس حوزه علمیه قم در این شهر اقامت داشتند. در همین حوزه درس خوانده، تربیت شده و تدریس می‌نمودند تا آنکه در جایگاه مرجعیت و رهبری دینی انقلاب قرار گرفتند. امام خمینی، به لحاظ آثار وجودی، جامعیت، شاگردان ممتاز فراوان، تألیفات و رهبری انقلاب، تنها شخصیت علمی مشهور، برجسته و جهانی حوزه علمیه قم می‌باشند. از این رو، منظور از جمله «رجل من اهل قم» در واقع «رجل من اهل علم قم» است و مصداق آن، امام خمینی است.

د. گرچه قم از زمان صدور حدیث تا امروز، پایگاه بزرگ و تاریخی شیعه و پیروان اهل‌بیت بوده است، اما بررسی تاریخ سیاسی قم و رویدادهای آن، بیانگر این است که تا انقلاب اسلامی ایران، در قم انقلابی با ماهیت، گستردگی، ویژگی‌ها و سرنوشت انقلابی که امام هفتم علیه السلام در این حدیث پیش‌بینی نموده‌اند، پدید نیامده است.

ه. امام خمینی علیه السلام در قم ازدواج کرده و پنج فرزند ایشان، سه دختر و دو پسر در قم به دنیا آمده‌اند. و امام خمینی علیه السلام در حوزه علمیه قم، شاگردان بسیاری تربیت نمودند. شاگردان سخت‌کوش، پرتوان، هوشیار و مبارزی که در مکتب سیاسی امام خمینی آموزش دیدند و یاران وفادار ایشان در انقلاب اسلامی شدند. استعدادهای طلاب با شاگردی و تحصیل در حوزه درس امام شکوفا شد. همین نخبگان سیاسی حوزوی که در پیشرفت، پیروزی و تداوم انقلاب اسلامی ایران نقش چشم‌گیری داشته و دارند. امام خمینی، در حوزه علمیه قم مجتهدان بزرگی را تربیت نمود. برخی از ایشان در جایگاه مرجعیت تقلید قرار گرفتند. در برخی دوره‌ها، در درس امام خمینی تا ۱۲۰۰ تن حضور داشته‌اند، شهید آیت‌الله سعیدی و غفاری و شهید بهشتی، باهنر، مفتاح، مطهری، محلاتی، و مراجع تقلید آیات عظام فاضل

لنکرانی، ناصر مکارم شیرازی، حسین نوری همدانی، لطف‌الله صافی گلپایگانی، جعفر سبحانی و عبدالله جوادی آملی، عبدالکریم موسوی اردبیلی، و رهبر معظم انقلاب حضرت آیت‌الله خامنه‌ای از شاگردان امام خمینی بوده‌اند (روحانی، ۱۳۵۸، ج ۱، ص ۴۱ - ۵۰؛ انصاری، ۱۳۷۴، ص ۲۱).

ز. بسیاری از کتاب‌ها و تألیفات امام خمینی در دوران تحصیل و تدریس ایشان در حوزه علمیه قم نوشته شده و برخی هم در قم به چاپ رسیده‌اند.

ح. مبارزات امام خمینی با رژیم سلطنتی پهلوی و مخالفت ایشان با «فرم امریکایی شاه و انقلاب سفید» و «لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی» و «لایحه کاپیتولاسیون» و سخنرانی‌های پرشور و تحول‌آفرین ایشان در قم صورت گرفته است. مأموران رژیم پهلوی، دوبار امام خمینی را از قم دستگیر و به تهران برده‌اند. قم پایگاه و سنگر مبارزه، قیام و انقلاب امام خمینی است. پایتخت اندیشه سیاسی دینی امام خمینی و تفکرات انقلابی اسلامی قرار گرفته و از آنجا به سراسر ایران گسترش یافته است. همه درگیری‌های امام خمینی با شاه و رژیم سلطنتی از ۱۳۴۰ تا تبعید امام به بورسای ترکیه در ۱۳ آبان ۱۳۴۳ در قم روی داده است. دعوت مردم از سوی امام خمینی به سوی نبرد و جهاد با طاغوت زمان شاه و رژیم شاهنشاهی ضداسلامی پهلوی از قم آغاز شد و ادامه یافت تا به پیروزی رسید.

ط. در این حدیث شریف «اهل قم» به کار رفته است. در لغت عرب، هر جا اهل به مکان اضافه شود، به معنای «ساکنان» آن مکان می‌باشد و هرگز به معنای زادگاه و محل ولادت استعمال نشده است. درباره مفهوم «اهل بیت» نوشته‌اند: «اهل البیت سکنانه» (احمدبن فارس، ۱۳۸۷، ص ۵۴؛ طریحی، بی‌تا، ج ۵، ص ۳۱۴؛ ابن‌منظور، ۱۴۰۵ق، ج ۱۱، ص ۲۹؛ جر، ۱۳۷۳ق، ج ۱، ص ۳۸۴). «اهل بیت» ساکنان آن هستند. اهل مکه، ساکنان بیت‌الله الحرام و شهر مکه هستند (ابن‌منظور، ۱۴۰۵ق، ج ۱۱، ص ۲۸-۲۹).

در معنای «اهل بلد» گفته‌اند: اهل البلد سکنانه (خوری شرتونی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۲۳). اهل شهر ساکنان شهرند، کسانی که در شهر زندگی می‌کنند. «اهل قم» به معنای «ساکنان شهر قم» است، نه کسانی که الزاماً زادگاهشان قم باشد و یا در این شهر به دنیا آمده باشند. بنابراین، اهل قم در حدیث مزبور، تمام کسانی را که ساکن قم‌اند دربر می‌گیرد؛ چه در قم به دنیا آمده باشند و یا در جای دیگری به دنیا آمده و به قم رفته و ساکن این شهر شده باشند. گرچه ممکن است گفته شود اهل قم، اختصاص به کسانی دارد که زادگاهشان قم است، ولی این برداشت از نظر لغت نادرست است. در لغت، «اهل قم» عام است و شامل هر فردی که از نظر عرف ساکن قم باشد، می‌گردد. امام خمینی علیه السلام از هجرت به قم تا تبعید به خارج از ایران، در حدود نیم قرن، در قم سکونت داشتند (رحیمیان، ۱۳۷۱، ص ۱۷ و ۲۳). با

یک عمر سکونت امام خمینی در شهر قم، جای تردیدی نمی‌ماند که ایشان اهل قم هستند و قطعاً اهل قم در حدیث امام کاظم علیه السلام می‌تواند شامل امام خمینی شود.

ی. گروهی از اهل ری خدمت امام صادق علیه السلام رسیدند و به امام عرض کردند: «نحن من اهل ری!» ما از اهل ری هستیم. امام فرمودند: «مرحبا باخواننا من اهل قم». برادران ما از اهل قم خوش آمدید! عرض کردند: «نحن من اهل ری». ما اهل ری هستیم. «فاعاد الکلام، قالوا ذلک مرارا واجابهم بمثل مااجاب به اولاً». امام همان کلام را تکرار نموده و فرمودند: برادران ما از اهل قم خوش آمدید! اهل ری چندبار انتساب خود به ری را گفتند و امام به مثل همان کلام، بار اول پاسخ دادند. سپس، امام فرمودند: «ان لله حرماً و هو مکه وان للرسول حرماً و هو المدینه وان لامیرالمومنین حرماً و هو الکوفه وان لنا حرماً و هو بلده قم و ستدفن فیها امراه من اولادی تسمى فاطمه فمن زارها وجبت له الجنة» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۰، ص ۲۱۶). برای خداوند حرمی است و آن مکه است و برای پیامبر حرمی است و آن مدینه است و برای امیرمؤمنان حرمی است و آن کوفه است و برای ما حرمی است و آن شهر قم است و به زودی زنی از سلاله من در آنجا دفن می‌شود که «فاطمه» نامیده می‌شود هر که او را زیارت کند، بهشت بر او واجب می‌گردد.

امام صادق علیه السلام در این حدیث، منطقه جغرافیایی قم را گسترده دانسته و چند بار اهل ری را «اهل قم» شمرده‌اند. می‌توان گفت: امام صادق علیه السلام در احترام به فکر شهر قم، به قم، مفهومی کلان در جغرافیای فکری و اعتقادی و سیاسی بخشیده‌اند و اندیشه و رفتار اهل قم و روش و سبک آنان در تشیع و پیروی از اهل بیت علیهم السلام را تأیید نموده‌اند و در عنوان اهل قم قرار داده و پایگاه فکری شناخته‌اند.

ویژگی‌های انقلاب اسلامی ایران در کلام امام هفتم

در سخنان امام کاظم علیه السلام، امتیازات و ویژگی‌های انقلابی که رهبر قمی آن را ایجاد می‌کند، بیان شده است این ویژگی‌ها، بر نهضت امام خمینی تطبیق می‌کند. هدف انقلاب اسلامی، دعوت به حق است. اهداف انحرافی و شیطانی قدرت‌طلبی، دنیاگرایی، ریاست‌طلبی، ثروت‌اندوزی، و شهوت‌رانی در آن راه ندارد. در جمله زیبای «یدعو الناس الی الحق»، نکته‌های مهمی درباره انقلاب مردم قمی وجود دارد. او «دعوت» می‌کند، بنابراین تحول آزادانه، آگاهانه و اختیاری است، تحمیلی و اجباری نمی‌باشد. «مردم» را دعوت می‌کند و مخاطب او یک گروه و قشر خاص نیست. انقلاب طبقاتی نیست، مردمی است، عموم مردم را فرا می‌خواند. بنابراین، انقلاب جهانی است. او فقط مردم قم یا تنها مردم ایران را به بیداری اسلامی و مبارزه با دشمنان اسلام دعوت نمی‌کند، بلکه مخاطب او جهانیان هستند. انقلاب محدود

نیست و با صدور انقلاب به همه نژادها و کشورها خواهد رسید. او در حاکمیت باطل، مردم را به سوی حق دعوت می‌کند. او همه را به سوی «حق» دعوت می‌کند. بنابراین، انقلاب او دینی، مذهبی، الهی و مقدس است؛ چون به سوی خدا، پیامبر، قرآن و امامان و تشکیل حکومت اسلامی و برقراری عدالت، که در مفهوم حق نهفته است، راهنمایی می‌کند و فرا می‌خواند.

ویژگی‌های یاران امام خمینی

در قسمت سوم حدیث امام هفتم علیه السلام «یجتمع مع... وعلی الله یتوکلون»، ویژگی‌های یاران و همراهان مرد قمی رهبر انقلاب حق‌طلبانه بیان شده است. گرد او، یارانی با پنج ویژگی جمع می‌شوند. قوم و ملتی که همانند پاره‌های آهن محکم هستند، آنچنان ایمانی دارند که خدا در دل آنان جای دارد و هیچ کس نمی‌تواند آنان را از اعتقاد و ایمان به خدا جدا کند. طوفان‌ها و تندبادها، یاران آن مرد قمی را به لرزه نمی‌اندازد و از پای در نمی‌آورد. استوار، پایدار و ثابت قدم هستند و صبر و استقامت دارند. ترس در آنها راه ندارد، شجاع‌اند و از هیچ کس جز خداوند نمی‌ترسند. از نبرد خسته نمی‌شوند و انقلاب را در میان راه رها نمی‌کنند و برای رساندن انقلاب به اهداف خود پایدارند. خستگی‌ناپذیر، سخت‌کوش پر نشاط و توانا هستند. بر خدا توکل دارند و با اعتماد به خدا و خودباوری در راه نفی سلطه ظالمان، پیگانگان، کافران و استعمارگران گام بر می‌دارند. دست نیاز به سوی هیچ کس جز خدای متعال دراز نمی‌کنند. می‌دانند با توکل بر خدا و یاری حق می‌توانند به اهداف بزرگ الهی خود برسند.

شاگردان صدیق و یاران وفادار نهضت امام خمینی، از سال ۱۳۴۱ تا امروز، این ویژگی‌ها را دارا بوده‌اند. آزادگان نهضت امام خمینی، که در زندان‌های کمیته ساواک شاه شکنجه شدند و برخی همچون آیت‌الله سعیدی و آیت‌الله حسین غفاری به شهادت رسیدند و برخی زنده و پایدارند. مردمی که در قیام ۱۵ خرداد ۴۲ و ۱۹ دی ۵۶ و ۱۷ شهریور ۵۷ و هشت سال جنگ تحمیلی در انقلاب به رهبری امام خمینی شهید شدند. توده‌های با ایمانی که در همه صحنه‌های انقلاب از پیدایش تا پیروزی و تثبیت، به‌ویژه در جنگ تحمیلی حضور داشتند و اکنون در پایداری و تداوم انقلاب با رهبری ولایت فقیه گام بر می‌دارند. همه گواه انطباق این ویژگی‌های یاران مرد قمی بر یاران امام خمینی است.

سرنوشت انقلاب اسلامی در بیان امام کاظم علیه السلام

با شواهد زیر می‌توان ادعا کرد که در این حدیث، تداوم انقلاب اسلامی ایران تا انقلاب جهانی مهدوی یادآوری شده است. پیری و مرگ در این انقلاب راه ندارد. اهداف انقلاب آنقدر بزرگ، کلان، نامحدود

و پایان‌ناپذیر است که هرچه انقلاب پیش رود، باز هم اهداف جلوتر خواهد بود. اسلامی کردن ایران و برقراری حکومت اسلامی، و اسلامی کردن جهان اسلام و تشکیل حکومت اسلامی در همه کشورهای اسلامی، و جهانی شدن اسلام و گسترش اسلام به سراسر گیتی و در نهایت، فراهم شدن مقدمات ظهور امام زمان علیه السلام مقاصد بسیار بزرگ و بی‌پایان انقلاب اسلامی ایران است که در سال ۱۳۴۱، از سوی امام خمینی ترسیم و تبیین شده است. بنابراین، با سعی و تلاش در راه حفظ دستاوردهای انقلاب، شکر نعمت الهی انقلاب، تحقق اهداف انقلاب، مبارزه با نفوذ آفات و انحرافات و نبرد با دشمنان انقلاب و فراهم نمودن شرایط و عوامل استمرار و تداوم انقلاب، جوانی و عمر انقلاب اسلامی به درازا خواهد کشید و هرگز این انقلاب پایان نمی‌پذیرد.

انقلاب اسلامی ایران، استمرار حرکت انبیاء و امامان علیهم السلام و زمینه‌ساز ظهور آخرین وصی پیامبر خدا قائم آل محمد علیه السلام است. این انقلاب با گذشته و آینده جریان حق در تاریخ زندگی بشر ارتباط دارد و با اتصال به گذشته و آینده نهضت‌های اولیاء خدا، بی‌پایان و جاودان است.

امام موسی بن جعفر علیه السلام در پایان کلام نورانی خویش درباره انقلاب مرد قمی، به آینده انقلاب ایران اشاره کرده‌اند. جمله «والعاقبة للمتقين»، حقیقت عصر ظهور را نشان می‌دهد. در پایان تاریخ و در آخرین، بهترین و عالی‌ترین انقلاب الهی در زندگی بشریت، متقین بر سراسر جهان حکومت خواهند کرد. رهبر آن متقین، امام مهدی علیه السلام است که انقلاب متقین ایران به عصر ظهورش متصل می‌گردد. آمدن جمله «والعاقبة للمتقين» در پایان کلام نورانی امام هفتم علیه السلام برای تبیین عاقبت انقلاب اسلامی ایران است. امامان علیهم السلام آیه «والعاقبة للمتقين» را که در قرآن سه بار تکرار شده است (هود: ۲۱؛ اعراف: ۲۸؛ قصص: ۸۳)، به عصر ظهور تفسیر نموده‌اند.

امام باقر علیه السلام فرمودند:

دولتنا آخرالدول لن یقی اهل بیت لهم دولة الا ملکوا قبلنا لئلا یقولوا اذاروا سیرتنا: اذاملکنا سرنامثل سیره هولاء و هو قول الله عزوجل والعاقبة للمتقين (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۲، ص ۳۳۲ و ۳۳۹). دولت ما آخرین دولت‌هاست و هیچ اهل‌بیتی که دولتی دارند، باقی نمی‌مانند، جز اینکه پیش از دولت ما به قدرت برسند تا زمانی که سیره ما را دیدند نتوانند ادعا کنند: هرگاه ما به قدرت می‌رسیدیم، مثل سیره آنان رفتار می‌کردیم. همین منظور از سخن خدای عزوجل در قرآن است که فرمود: «والعاقبة للمتقين» پایان و عاقبت نیک جهان برای پارسایان است.

مطابق بیان امام باقر علیه السلام، آیه «والعاقبة للمتقين»، بیانگر وضعیت عصر ظهور امام زمان علیه السلام است. وجود این آیه در پایان سخنان امام کاظم، درباره انقلاب اسلامی ایران، در واقع سرنوشت انقلاب ایران را

یادآوری می‌کند. انقلاب اسلامی ایران ادامه خواهد یافت تا متقین در عصر ظهور امام زمان علیه السلام حکومت اسلامی را در سراسر جهان برقرار کنند.

امام جعفر صادق علیه السلام نیز در قالب یک بیت شعر همین حقیقت را بیان فرموده‌اند: «الکل اناس دوله یقبونها * ودولتانی آخرالدهریظهر» (یزدی حائری، ۱۳۹۷ق، ص ۴۸۰). برای هر ملتی دولتی است که انتظار آن را می‌کشند و راغب آن هستند و دولت ما در آخر روزگار و پایان تاریخ ظهور می‌کند و آشکار می‌گردد.

دولت حضرت مهدی علیه السلام دولت جاویدان و پایان تاریخ است. دولت شکست‌ناپذیری است که پس از آشکارشدن عجز و ناتوانی همه جریان‌ها و مکاتب بشری، برقرار خواهد شد و تا روز قیامت ادامه خواهد یافت.

پیوند دو انقلاب در کلام امام خمینی علیه السلام

یک امتیاز امام خمینی، که عامل نفوذ، تأثیرگذاری و محبوبیت فراوان ایشان هم شده بود، اینکه مردم «امام خمینی» را «نایب حضرت مهدی علیه السلام» می‌شناختند و از ایشان اطاعت و پیروی کردند. روشن است که «نایب»، باید در راستای تحقق اهداف و مقاصد «منوب عنه» اقدام کند. امام خمینی در گفتار و رفتار در جهت زمینه‌سازی برای ظهور قائم آل محمد علیه السلام گام برداشت و خود را سرباز و فدایی امام زمان می‌دانست. زمستان سال ۱۳۴۱ در آغاز انقلاب اسلامی، زمانی که اهداف کوچک و بزرگ انقلاب را برای یاران ترسیم نمود، بر اساس وظیفه شرعی و تجربیات نهضت‌های صدساله اخیر ایران و با تدبیر، آگاهی و هوشیاری سیاسی «نابودی رژیم سلطنتی پهلوی» و «نفی رژیم جعلی صهیونیستی اسرائیل» و «نفی نظام سلطه بین‌المللی و سلطه جهانی امریکا» را در اهداف مقدماتی انقلاب جای داد. همچنین «اسلامی کردن ایران» و «اسلامی شدن جهان اسلام» و «جهانی شدن اسلام» را سه هدف بزرگ، بلندمدت و نهایی انقلاب دانست که زمینه‌ساز ظهور حضرت مهدی علیه السلام خواهد شد (عسگر اولادی، ۱۳۷۷، ص ۱۴). امام خمینی، که در حوزه علمیه قم تربیت شد و از این حوزه به پا خواست و انقلاب اسلامی را رهبری نمود، به انقلابیون یادآوری می‌نمایند:

ببینید تحت مراقبت هستید، نامه اعمال ما می‌رود پیش امام زمان علیه السلام، هفته‌ای دو دفعه بر حسب روایت. نکند که خدای نخواست از من و شما و سایر دوستان امام زمان علیه السلام یک وقت چیزی صادر شود که موجب افسردگی امام زمان علیه السلام باشد (موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ج ۸، ص ۳۹۱).

ایشان وظیفه مردم انقلابی ایران را انتظار فرج و فراهم ساختن مقدمات ظهور حضرت مهدی علیه السلام می‌دانند و می‌فرمایند: ما همه انتظار فرج داریم و باید در این انتظار خدمت کنیم. انتظار فرج، انتظار قدرت اسلام است و ما باید کوشش کنیم تا قدرت اسلام در عالم تحقق پیدا کند و مقدمات ظهور آن شاء الله تهیه بشود (همان، ص ۳۷۴).

ایشان درباره وظایف حکومت و مسلمانان در ایران و دنیای اسلام فرموده‌اند:

ان شاء الله اسلام را آنطور که هست در این مملکت پیاده کنیم و مسلمانان جهان نیز اسلام را در ممالک خودشان پیاده کنند و در دنیا، دنیای اسلام باشد و زور و ظلم و جور از دنیا بر طرف بشود و مقدمه باشد برای ظهور ولی عصر علیه السلام (همان، ج ۱۵، ص ۲۸۲)... دست عنایت خدای تبارک و تعالی به سر این ملت کشیده شده است و ایمان آنها را تقویت فرموده است که یکی از علائم ظهور بقیه الله علیه السلام است (همان، ج ۱۶، ص ۱۳۰).

در پیامی دیگر ارتباط بنیادین انقلاب اسلامی ایران و انقلاب مهدوی را بسیار زیبا و دلنشین این‌گونه نوشته‌اند:

انقلاب مردم ایران نقطه شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام به پرچمداری حضرت حجت علیه السلام است که خداوند بر همه مسلمانان و همه جهانیان منت نهد و ظهور فرجش را در عصر حاضر فرار دهد (همان، ج ۲۱، ص ۳۲۷).

امید و آرزوی امام خمینی، همواره ارتباط و اتصال انقلاب ایران به طلوع فجر انقلاب حضرت مهدی علیه السلام بوده است. در این باره فرمود: «امید است که این انقلاب، جرقه و بارقه‌ای الهی باشد که انفجاری عظیم در توده‌های زیر ستم ایجاد نماید و به طلوع فجر انقلاب مبارک حضرت بقیه‌الله علیه السلام منتهی شود» (همان، ج ۱۵، ص ۶۲).

ایشان «صدور انقلاب» را برای هموار نمودن راه ظهور منجی و مصلح کل جهان حضرت مهدی علیه السلام و وظیفه خویش دانسته، در پیامی نوشتند:

ما با خواست خدا دست تجاوز و ستم همه ستمگران را در کشورهای اسلامی می‌شکنیم و با صدور انقلابمان، که در حقیقت صدور انقلاب راستین و بیان احکام محمدی صلی الله علیه و آله است، به سیطره و سلطه و ظلم جهان‌خواران خاتمه می‌دهیم و به یاری خدا، راه را برای ظهور منجی و مصلح کل و امامت مطلق حق امام زمان علیه السلام هموار می‌کنیم (همان، ص ۳۴۵).

از این رهنمودهای امام به‌دست می‌آید که آرمان و هدف بزرگ انقلاب اسلامی، زمینه‌سازی مقدمات ظهور حضرت مهدی علیه السلام است. بنابراین، آنچه در احادیث امامان علیهم السلام درباره اتصال انقلاب اسلامی پیش از ظهور

به انقلاب جهانی قائم آل محمد علیهم السلام وجود دارد، در کلام رهبر انقلاب اسلامی به صراحت تکرار گردیده است.

پنج راهبرد تربیت زمینه‌ساز ظهور در کلام امام هفتم

در حدیث امام کاظم علیه السلام اهداف تربیت مهدوی و پنج راهبرد اساسی تربیت زمینه‌ساز ظهور آموزش داده شده است. پنج امتیاز و صفت زیبا و سرنوشت‌ساز در این حدیث، برای یاران و اصحاب و ملت همراه رهبر قمی وجود دارد که ویژگی‌های اساسی زمینه‌سازان ظهور و خصال برجسته اصحاب امام مهدی علیه السلام است.

تربیت معطوف به تحقق این اهداف پنج‌گانه در راستای ظهور است. اگر جهت‌گیری نظام و سازمان تربیتی در راه تربیت انسان‌هایی دارای این ویژگی‌ها قرار گیرد و امکانات و ابزارهای تربیت، شیوه‌ها، روش‌ها و راه‌کارهای مناسب آن فراهم گردد، نظام تربیتی با راهبردهای تربیت زمینه‌ساز هماهنگ خواهد شد. لازم است آیین تربیت در انقلاب اسلامی ایران، به‌گونه‌ای طراحی شود که این شاخص‌ها در فرایند تربیت در جامعه اسلامی افزایش یابد و عموم مردم و اقشار گوناگون، به‌ویژه جوانان به این اوصاف ارزشمند و سرنوشت‌ساز آراسته شوند تا شرایط و عوامل پایداری و تداوم نهضت امام خمینی، در راستای ظهور حضرت مهدی علیه السلام فراهم گردد.

۱. پاره آهن؛ زبرالحدید

زیره پاره‌ای بزرگ و قطعه عظیمی از آهن است و جمع آن زبر می‌باشد (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴ق، ص ۲۱۱). «زبرالحدید» به معنای پاره‌های آهن است. «زبرالحدید» در احادیث اهل بیت علیهم السلام صفت مؤمنان (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۴، ص ۳۰۳ و ج ۶۷، ص ۱۸۷) و امتیاز مقداد (همان، ج ۲۲، ص ۴۴۰ و ج ۳۴، ص ۲۷۵) و خصلت اصحاب امام مهدی علیه السلام می‌باشد. زبرالحدید، بارها در احادیث برای توصیف یاران حضرت ولی عصر حضرت مهدی علیه السلام آمده است. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله (همان، ج ۵۲، ص ۳۰۴) و امام باقر علیه السلام (همان، ج ۵۲، ص ۳۴۳) و امام صادق علیه السلام (همان، ص ۳۸۶)، زبرالحدید را در اوصاف اصحاب امام زمان بیان کرده‌اند. فضیل بن یسار گفته است: امام صادق علیه السلام در معرفی اصحاب حضرت مهدی علیه السلام فرمودند: «... رجال کأن قلوبهم زبرالحدید لایشوبها شک فی ذات الله» (همان، ص ۳۰۸)؛ مردانی که گویا دل‌هایشان پاره‌های آهن است، مخلوط و آمیخته به شک و تردید در ذات خداوند

نیست. بنابراین، زیرالحدید ویژگی یاران رهبر قمی و امتیاز بزرگ اصحاب قائم آل محمد علیهم السلام است. این اشتراک، دلیل پیوند اساسی صفات پنج‌گانه یاران رهبر قمی با تربیت زمینه‌ساز ظهور می‌باشد. مفهوم زیرالحدید، ایمان عالی و باور نیرومند و اعتقادات محکم و پایدار است. یقین به توحید و رهایی کامل از هر گونه شک و تردید در وجود خدا، ویژگی برجسته یاران حضرت مهدی علیه السلام است.

۲. مقاوم در برابر تندباد و طوفان؛ لاتزلهم الریاح العواصف

«عاصفه» باد تند و طوفان است و جمع آن «عواصف» می‌باشد. طوفان‌ها و گردبادهای شدید آنان را نمی‌لرزاند و از پای در نمی‌آورد. این صفت، گویای صبر و استقامت بی‌نظیر و پایداری و استواری آنان است. رنج‌ها و سختی‌ها و مشکلات فراوان و پی‌درپی نیز آنان را به ستوه نمی‌آورد. امام صادق علیه السلام، به فضیل بن یسار در توصیف یاران حضرت مهدی علیه السلام فرمودند: «اشد من الحجر لو حملوا علی الجبال لأزالوها» (همان)؛ از سنگ شدیدتر و محکم‌ترند، اگر بر کوه‌ها برخورد کنند کوه‌ها را از پیش‌پا بردارند، کوه‌ها را از جا بلند کرده و کنار زده و پراکنده می‌سازند. تربیت سازنده این سطح از قدرت پایداری و نبرد، از راهبردهای زمینه‌ساز انقلاب جهانی مهدوی است.

۳. خستگی‌ناپذیر در جنگ؛ لایملون عن الحرب

از جنگ و نبرد خسته نمی‌شوند. خستگی‌ناپذیری از جنگ‌های پی‌درپی و از تداوم نبرد نیز از امتیازات ملت همراه با رهبر قمی است. ایجاد کشش و نیروی درونی عمیق و ظرفیت‌های بی‌پایان برای نبرد با اهل باطل و کفر و شرک و نفاق، تنها با تربیت صحیح امکان‌پذیر است.

۴. شجاع و ترس؛ لایجبون

«جبن» سستی دل و ضعف قلب انسان است در آنچه که سزاوار و حق است بر آن قوی باشد (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴ق، ص ۸۷). ترس و بزدلی در یاران رهبر قمی راه ندارد. ایشان در مبارزات حق‌طلبانه خویش هرگز نمی‌ترسند. رهایی از ترس و آراستگی به صفت زیبای شجاعت نیازمند تربیت استعدادها و تجربه‌های میدان نبرد است.

۵. اعتماد و توکل بر خدا؛ علی الله یتوکلون

توکل بر خدای متعال و اعتماد کامل به پروردگار، خصلت دیگری است که در حدیث امام کاظم علیه السلام برای یاران رهبر قمی ذکر شده است. توکل، معلول معرفت و یقین است و با تربیت و سیر و سلوک معنوی در انسان ایجاد می‌شود.

نتیجه‌گیری

این پژوهش نشان داد که انقلاب اسلامی ایران در احادیث معصومان علیهم السلام پیش‌بینی شده است. با بررسی مدرک و سند حدیث، روشن شد حدیث امام موسی بن جعفر علیه السلام، ریشه در کتاب تاریخ قم دارد که تألیف حسن بن محمد بن حسن بن سائب بن مالک اشعری، در سال ۳۷۸ در قرن چهارم قمری است. این کتاب سندی کهن و معتبر در موضوع با‌قم‌شناسی می‌باشد.

نویسنده کتاب از اعلام قرن چهارم و از اکابر قدمای اصحاب امامیه و علمای قم و از معاصران شیخ صدوق است که از شیخ صدوق و برادرش روایت کرده است. کتاب تاریخ قم در آغاز قرن نهم قمری در ۸۰۵ و ۸۰۶ از سوی تاج‌الدین حسن بن بهاء‌الدین علی بن حسن بن عبدالملک قمی، برای استفاده فارسی‌زبانان به فارسی ترجمه شد و از قرن نهم تا به امروز، همان ترجمه راهنمای پژوهشگران قم‌شناسی قرار دارد. کتاب اصلی و متن عربی آن مفقود گردید. علامه مجلسی از همین ترجمه بهره برده است. ولی این کتاب را در مصادر بحارالانوار قرار داد، در فصل توثیق مصادر بحارالانوار نیز این کتاب را منبع معتبر و مورد اعتماد شمرده، احادیث آن را در کتاب خویش آورده است. همچنین این حدیث مسند می‌باشد. ایوب بن یحیی الجندی و علی بن عیسی، در سلسله سند حدیث قرار دارند. گرچه از ایوب بن یحیی در کتب رجالی هیچ‌یادی نشده است، اما علی بن عیسی ثقه و شخصیت قابل اعتمادی است. با شواهد و قرائن خاص روشن شد، عدم ذکر ایوب بن یحیی در کتب رجالی، صدمه‌ای به سند و متن حدیث نمی‌زند. بنابراین، حدیث از نظری سندی قابل قبول است.

فرضیه انطباق حدیث امام کاظم علیه السلام بر نهضت امام خمینی، که از سوی برخی فقیهان معاصر طرح شده است، با توجه به مفاد سه دسته از احادیث و با تحلیل عقلی بررسی شد و پیام‌های حدیث پیرامون شخصیت امام خمینی و ابعاد انقلاب اسلامی و ویژگی‌های یاران ایشان و سرنوشت انقلاب اسلامی و پیوند آن با انقلاب جهانی مهدوی علیه السلام تبیین گشت. راهبردهای تربیت زمینه‌ساز ظهور براساس پنج ویژگی حماسه‌سازان فرمانبردار رهبر قمی، از متن حدیث‌شناسایی و استخراج شد.

منابع

- ابن شهر آشوب مازندرانی، ۱۳۸۰، *معالم العلماء*، نجف، المطبعة الحیدریه.
- ابن غضائری، احمد بن حسین، ۱۳۸۰، *رجال*، قم، دارالحدیث.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۰۵ق، *لسان العرب*، قم، ادب الحوزه.
- احمد بن فارس، ابوالحسن، ۱۳۸۷، *ترتیب مقایس اللغة*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- اربابی، علی بن عیسی، ۱۴۰۱ق، *کشف الغمه فی معرفه الائمه علیهم السلام*، بیروت، دارالکتب الاسلامی.
- اردبیلی، محمد بن علی، ۱۴۰۳ق، *جامع الرواه و ازاحه الاشتباهات عن الطرق و الاسناد*، قم، مکتبه آیت الله العظمی المرعشی النجفی.
- اردبیلی غروی، محمد بن علی، ۱۴۰۳ق، *جامع الرواه*، بیروت، دارالأضواء.
- اشتهاردی، محمد مهدی، ۱۳۸۶، *بای گیری و بهایی گیری*، چ دوم، قم، ناصر.
- افندی اصفهانی، عبدالله، ۱۳۶۶، *ریاض العلماء و حیاض الفضلاء*، مشهد، بنیاد پژوهش های آستان قدس رضوی.
- امین، محسن، ۱۴۰۳ق، *اعیان الشیعه*، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات.
- انصاری، حمید، ۱۳۷۴، *حدیث بیداری*، چ سوم، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
- آلوسی بغدادی، شهاب الدین محمود، ۱۳۹۸ق، *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی*، بیروت، دارالفکر.
- بحرانی اصفهانی، عبدالله بن نورالله، ۱۳۶۳، *عوامل العلوم و المعارف و الاحوال من الآیات و الاخبار و الاقوال*، اصفهان، مکتبه الزهرا علیه السلام.
- تستری، محمد تقی، ۱۴۱۰ق، *قاموس الرجال*، قم، نشر اسلامی.
- جر، خلیل، ۱۳۷۳ق، *المعجم العربی الحدیث (فرهنگ لاروس)*، ترجمه حمید طیبیان، چ پنجم، تهران، امیرکبیر.
- حاکم نیشابوری، ابوعبدالله محمد بن عبدالله، بی تا، *المستدرک علی الصحیحین*، بیروت، دارالمعرفه.
- حر عاملی، محمد بن حسن، بی تا، *وسائل الشیعه*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- حسینی جلالی، محمدرضا، ۱۳۷۸، *المنهج الرجالی و العمل الرائد فی الموسوعه الرجالیه لسید الطائفه آیت الله العظمی البروجردی*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- حلی، حسن بن یوسف، ۱۴۱۷ق، *خلاصه الاقوال*، تحقیق جواد قیومی، قم، الفقاهه.
- خوری شرتونی لبنانی، سعید، ۱۴۰۳ق، *اقرب الموارد فی فصیح العربیه و الشوارد*، قم، مکتبه آیت الله العظمی المرعشی النجفی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۰۴ق، *المفردات فی غریب القرآن*، چ دوم، تهران، نشر کتاب.
- رجبی، محمد حسن، ۱۳۷۱، *زندگینامه سیاسی امام خمینی از آغاز تا تبعید*، تهران، کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
- رحیمیان، محمد حسن، ۱۳۷۱، *در سایه آفتاب (یادها و یادداشت های از زندگانی امام خمینی)*، چ سوم، قم، مؤسسه پاسدار اسلام.

- روحانی، حمید، ۱۳۵۸، *بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی علیه السلام*، چ چهارم، قم، دارالعلم و دارالفکر.
- زراری، احمد بن محمد، ۱۳۹۹ق، *رساله ابو غالب زراری (تاریخ آل زراره)*، تحقیق محمد علی موحد ابطی، قم، ربانی.
- زمخشری، محمود بن عمر، بی تا، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الاقوال فی وجوه التاویل*، بیروت، دارالکتب العربی.
- سید بن طاووس، ۱۳۹۸ق، *الملاحم و الفتن فی ظهور الغائب المنتظر عجل الله فرجه*، چ پنجم، قم، رضی.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۴۰۳ق، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، قم، کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی.
- طریحی، فخرالدین، بی تا، *مجمع البحرین*، تحقیق سید احمد حسینی، بی جا، المکتبه المرتضویه.
- طوسی، محمد بن حسن، ۱۴۱۷ق، *الفهرست*، قم، الفقاهه.
- عروسی حویزی، عبدعلی بن جمعه، ۱۳۸۳ق، *نور الثقلین*، تصحیح و تعلیق هاشم رسولی محلاتی، چ دوم، قم، المطبعه العلمیه.
- عسگر اولادی، حبیب الله، یکشنبه ۱۱ بهمن ۱۳۷۷ - ۱۴ شوال ۱۴۱۹، *روزنامه جمهوری اسلامی*، سال بیستم، شماره ۵۶۹۶.
- علی بن عبدالله، ۱۳۶۶، *منتخب الدین*، قم، کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی.
- فاضل موحدی، محمد، ۱۳۹۸ق، *نهایه التقرير، تقریر درس السید البروجردی*، چ دوم، قم، بی تا.
- فخر رازی، محمد عمر، ۱۴۱۳ق، *التفسیر الکبیر*، چ چهارم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- فضلی، عبدالهادی، ۱۳۹۲ق، *فی انتظار الامام*، چ دوم، بیروت، دارالزهراء للطباعه و النشر و التوزیع.
- القرشی الکنجی الشافعی، محمد بن یوسف، ۱۳۹۷، *البیان فس اخبار الصحاب الزمان*، چ چهارم، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات.
- قزوینی، محمد بن یزید، بی تا، *سنن*، تحقیق محمد فواد عبدالباقی، بیروت، دارالفکر.
- قمی، حسن بن محمد بن حسن، ۱۳۱۳، *تاریخ قم*، ترجمه حسن بن علی بن حسن بن عبدالملک قمی، تصحیح جلال الدین طهرانی، تهران، مجلس.
- _____، ۱۳۸۵، *تاریخ قم*، ترجمه حسن بن علی بن حسن بن عبدالملک، تحقیق محمدرضا افتخاری قمی، قم، مرکز قم شناسی و کتابخانه حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی و گنجینه جهانی مخطوطات اسلامی.
- قمی، شیخ عباس، بی تا، *سفینه البحار و مدینه الحکم و الآثار*، بیروت، دارالمرتضی.
- قندوزی حنفی، سلیمان بن ابراهیم، ۱۴۱۶ق، *ینایع الموده لدوی القری*، تحقیق سید علی جمال اشرف حسینی، تهران، دارالاسوه.
- قهپایی، عنایه الله، بی تا، *مجمع الرجال*، قم، اسماعیلیان.
- کرباسچی، غلامرضا، ۱۳۷۱، *هفت هزار روز تاریخ ایران و انقلاب اسلامی*، از ۱۳۳۹ تا ۱۳۵۷، قم، بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی.
- کریمیان، حسن، ۱۳۲۸، *قم رایشناسید جغرافیای شهرستان قم*، قم، اداره فرهنگ شهرستان قم.
- گیدنز، آنتونی، ۱۳۷۴، *جامعه شناسی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشر نی.
- متقی هندی، حسام الدین، ۱۴۱۹ق، *کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال*، تحقیق محمود عمر الدمیاطی، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۳ق، *بحار الانوار*، چ سوم، بیروت، الوفاء.

بررسی میزان تطبیق نهضت امام خمینی با حدیث امام کاظم علیه السلام ❖ ۶۹

محمدری شهری، محمد، ۱۳۶۲، *میزان الحکمه*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
—، ۱۳۶۱، *تداوم انقلاب اسلامی ایران تا انقلاب جهانی مهدی علیه السلام*، چ دوم، تهران، یاسر.
—، ۱۳۷۵، *اهل البیت فی الکتاب و السنه*، قم، دارالحدیث.
مدرسه فقهات، *درس خارج فقه آیت الله حسین نورى همدانی، کتاب الجهاد*، تاریخ ۲۶ آذر ۱۳۸۷ بازیابی شده در:
www.eshia.ir

مدرسی طباطبائی، حسین، ۱۳۶۴، *قم نامه*، قم، کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی.
معین، محمد، ۱۳۶۲، *فرهنگ فارسی*، چ پنجم، تهران، امیرکبیر.
منتظری، حسینعلی، ۱۴۰۹ق، *دراسات فی ولایه الفقیه و فقه الدوله الاسلامیه*، قم، مرکز العالمی للدراسات الاسلامیه.
موحد، ه، ۱۳۶۱، *دوسال آخر رقم... تا انقلاب، رخدادهای دی ۵۵ تا بهمن ۵۷*، تهران، امیرکبیر.
موسوی خلیجی، نورالدین، ۱۳۸۶، *دارالایمان قم درسیاحت نامه ها*، زیر نظر محمود مرعشی، قم، کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی.

موسوی خوئی، سیدابوالقاسم، ۱۴۰۳ق، *معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواة*، چ دوم، بیروت، دارالزهراء.
موسوی خمینی، سیدروح الله، ۱۳۷۹، *صحیفه امام*، چ سوم، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
میددی، ابوالفضل رشیدالدین، ۱۳۶۱، *کشف الاسرار و عده الابرار*، به کوشش علی اصغر حکمت، چ چهارم، تهران، امیرکبیر.
ناصر الشریعه، محمدحسین، ۱۳۵۰، *تاریخ قم*، مقدمه و تعلیقات و اضافات علی دوانی، قم، دارالفکر.
نجاشی اسدی، ابوالعباس احمدبن علی، ۱۴۱۶ق، *رجال نجاشی*، قم، نشر اسلامی.
نعمانی، محمدبن ابراهیم بن جعفر، ۱۴۰۳ق، *کتاب الغیبه*، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
یزدی حائری، علی، ۱۳۹۷ق، *الزام الناصب فی اثبات الحججه الغائب علیه السلام*، چ چهارم، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی